

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر)^۱

جعفر نجات^۲

حمید عبدالهی چندانق^۳

حبیب الله زحمت کش^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

پژوهش حاضر، به بررسی و تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی می باشد. جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در استان بوشهر تشکیل می دهند که بر اساس آمار، تعداد آنان ۲۱۴۸۴۹ گزارش شده و ۴۷۵ نفر از آنان به شیوه تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. یافته های تحقیق نشان داد که سطح مشارکت سیاسی ۱۳/۲ درصد از افراد مورد بررسی کم، ۳۹/۱ درصد در سطح متوسط و ۴۷/۶ درصد در سطح زیاد می باشد. بررسی میزان سرمایه اجتماعی نشان داد که ۱۷/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح سرمایه اجتماعی شان پایین، ۵۷ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۵ درصد در سطح بالا می باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه، میزان سرمایه اجتماعی شان در سطح متوسط است. همچنین، نتایج تحقیق بیانگر تأثیر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، حمایت مدنی و مشارکت مدنی) بر مشارکت سیاسی می باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد مدنی، حمایت مدنی و مشارکت مدنی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر انجام گرفته است.

E-mail: s.g.nejat84@gmail.com

۲. مدرس مدعو، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان

۴. کارشناس امور جوانان، اداره کل ورزش و جوانان، استان بوشهر

مقدمه

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، مشارکت^۱ را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی، مشارکت را «کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه ها و جنبش هایی که تا کنون از حیطه ی اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده اند» تعریف می کند (به نقل از ول بک و سل^۲، ۲۰۰۳). بر مبنای این تعریف، توانمند سازی گروه های محروم و جدا افتاده جهت ورود آنها به فرایند مشارکت در تصمیم سازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. بر همین اساس، جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوند های اجتماعی شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند (نیوتون و وایتلی^۳، ۱۹۹۹).

یکی از ابعاد مشارکت، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی در اصطلاح به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است. پس مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان یافته مردم درباره حکومت و سیاست است؛ یعنی، مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست گذاری ها فعالانه حضور داشته، خود را نسبت به حکومت و سیاست های آن، بیگانه احساس نمی کنند. به عبارت دیگر، مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت، هدایت آن را بر عهده می گیرند (مک کلارک^۴، ۲۰۰۹).

از نظر سیاسی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، منجر به رشد و تقویت اقتدار ملی و وحدت ملی می شود و چون در نظام مشارکت جو، از تمامی ظرفیت ها، توانمندی ها و استعداد های مردم استفاده می شود، فاصله طبقاتی و مشکلات دولت - ملت کاهش خواهد یافت. پدیده مشارکت سیاسی، سابقه ای طولانی به قدمت عمر بشر دارد (فیرحی^۵، ۱۳۷۷: ۴۴).

یکی از گروه های اجتماعی که جامعه نیازمند مشارکت آنان در عرصه های مختلف اجتماعی و به تبع آن عرصه سیاسی می باشد، جوانان است. جوانان در هر جامعه ای، ظرفیت های بالقوه رشد و منابع انسانی عظیمی هستند که برای رشد و شکوفایی آنها باید بسترهای اجتماعی فراهم شود. مشارکت سیاسی را به عنوان عملی اجتماعی باید از عرصه محدود خانواده آموخت، در مدارس بسط داد و در سایر عرصه های اجتماعی نظیر دانشگاه ها مشق نمود. در بسیاری از نظام ها بویژه نظام های در حال گذار، اگر جوانان احساس همبستگی و نزدیکی با نظام داشته باشند، پیشناز حمایت از نظام و پیشبرد اهداف آن هستند و اگر احساس کنند که با نظام بیگانه اند ممکن است به دو صورت واکنش نشان دهند؛ در صورتی که احساس نمایند مشارکت سیاسی آنان تأثیرگذار است، پیشناز ایجاد تحول در نظام حاکم می گردند و در غیر این صورت، بی تفاوتی و انفعال سیاسی را پیشه خود خواهند ساخت (تاج مزینانی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می شوند، اهمیت خاصی برای توسعه سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی شک، جوانان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی چون: استقلال خواهی، نوجویی و آرمانگرایی در فعالیت های سیاسی، انگیزه بالایی در مشارکت سیاسی دارند.

1. participation
2. Wollebaek & Sell
3. Newton & Whitley
4. McClure

برطبق آمار موجود، بیش از ۳۰ میلیون نفر از جمعیت حدود ۷۰ میلیونی ایران زیر ۲۵ سال سن دارند و همانطوری که اشاره شد، چنین مشخصه ای برای هر کشوری یک موفقیت محسوب می شود. لذا برنامه ریزی و ایجاد شرایط مشارکت سیاسی جوانان در ایران بسیار مهم و ضروری است. نتایج تحقیقات و ارزیابی وضعیت موجود دیدگاه‌ها و اعتقادات جوانان کشور نشان می‌دهد جوانان ترجیح می‌دهند به جای توجه به امور سیاسی، از زندگی شخصی شان لذت ببرند. آنها معتقدند به جوانان برای واگذاری مسئولیت اعتماد نمی‌شود. بسیاری از جوانان (۶۳/۲ درصد) از چگونگی ورود به مسائل سیاسی و ایفای نقش در این زمینه آگاهی ندارند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۸).

بر همین اساس، در فضای کنونی بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان و شناسایی بسترهای اجتماعی تسهیل کننده مشارکت آنان ضرورت و اهمیت دارد. درک بهتر عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی از جمله سرمایه اجتماعی می تواند به بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و جوانان کمک کند. از آن جایی که گروه های مختلف اجتماعی، نژادی و جنسیتی در موقعیت های ساختاری و شبکه های اجتماعی متفاوت قرار دارند، از نظر بهره مندی از سرمایه اجتماعی متفاوت هستند. بنا بر تعبیر پیر بورديو، سرمایه به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می شود که فرد می تواند در جامعه به صورت انتسابی و یا اکتسابی به آن دست یافته و در روابطش با سایر گروه ها و افراد در پیشبرد موقعیت خویش بهره مند شود. وی سرمایه را به چهار نوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین تقسیم می کند (ترنر^۱، ۲۰۰۱: ۴۵۰).

بنابراین، یکی از متغیرهای اساسی که تأثیر آن بر مشارکت سیاسی مطرح می شود، سرمایه اجتماعی^۲ است. لایگلی و نیز میلبراث بیان می کنند که کنش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه هایی است که به آن تعلق دارند. از این رو، افراد به دلیل افکار خود به فعالیت سیاسی نمی پردازند، بلکه معیارهای دوستان و خانواده است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می کند. آلموند و وربا نیز معتقدند شبکه عضو گیری، عضویت در سازمان های داوطلبانه فعالیت سیاسی را تسهیل می کند. میلبراث نیز معتقد است هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه های سیاسی از جمله عضویت در سازمان های سیاسی باشد، احتمال مشارکت سیاسی او نیز بیشتر است (ستوکر و باورز^۳، ۲۰۰۲).

در واقع، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد؛ به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفا با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد (پاتنام^۴، ۲۰۰۰، مارشال^۵ و استول^۶، ۲۰۰۴). بر این اساس، هدف این مطالعه، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی در بین جوانان استان بوشهر می باشد.

1. Turner
2. social capital
3. Stoker & Bowers
4. Putnam
5. Marshall
6. Stoll

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی سرمایه اجتماعی

تعریف مفهومی: نظریه پردازانی همچون: جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) و ... تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند. پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می داند که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب برقراری ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می داند و تأکید عمده اش بر مفهوم اعتماد بود.

تعریف عملیاتی: در تحقیق حاضر سرمایه اجتماعی بر اساس رویکرد نظری فوکویاما و مدل عملیاتی کلمن (۱۹۹۰) و بوردیو در قالب سه بعد اعتماد، مشارکت و حمایت مدنی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: وینر^۱ در مقاله معروف خود درباره مشارکت سیاسی، پس از ذکر ۱۰ مورد از تجلیات مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه می دهد: "مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر شامل روش های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است" (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰). هانتینگتون^۲ و نلسون^۳ مشارکت سیاسی را چنین تعریف می کنند: "مشارکت سیاسی، کوشش های شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاست های عمومی است" (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰).

تعریف عملیاتی: مشارکت سیاسی جوانان بر اساس مدل پترسون (۲۰۰۵) و مدل عملیاتی شده وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) در ابعاد ۱-مشارکت سیاسی عینی (۱-رسمی و ۲- غیر رسمی) و ۲- نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی-نگرشی) مورد سنجش قرار گرفت.

مشارکت سیاسی عینی: درگیری در فعالیت هایی که بنا به تعریف، مشارکت سیاسی محسوب می شوند. بدین منظور این بعد از مشارکت سیاسی در قالب دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی مورد سنجش قرار می گیرد:

۱) مشارکت سیاسی رسمی: هر گونه عمل داوطلبانه ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب های مشخص که به طور رسمی و برنامه ریزی شده توسط سازمان ها و نهادهای رسمی کشور صورت می گیرد، انجام می دهند- مانند شرکت در انتخابات؛

۲) مشارکت سیاسی غیر رسمی: گونه ای عمل داوطلبانه که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر جریان های سیاسی و در خارج از چهارچوب های تعیین شده و رسمی توسط سازمان ها و نهادهای رسمی کشور انجام می دهند.

نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی-نگرشی): به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت های

1. Winner
2. Huntington
3. Nelson

سیاسی گفته می شود که پیش از هر اقدامی به او کمک می کند تا وضعیت های سیاسی بالقوه و بالفعل را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و تجربه های پذیرفته شده از سوی او قرار دارد و در قالب متغیرهایی همچون: علاقه به سیاست و پیگیری اخبار سیاسی از طریق رسانه ها، حس اثربخشی سیاسی و... مورد سنجش قرار می گیرد.

مروری بر پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین شبکه های اجتماعی با رفتار سیاسی دانشجویان رابطه ای وجود دارد یا خیر؟ با تقسیم سرمایه اجتماعی به دو بعد ساختاری و ارتباطی و مشارکت سیاسی به سه سطح بی تفاوتی سیاسی، مشارکت سیاسی رسمی و مشارکت سیاسی فعال، یافته های پژوهش نشان داد که هر چند هر دو بعد سرمایه اجتماعی، رابطه معنی داری با ابعاد مشارکت سیاسی داشتند، اما سرمایه اجتماعی ارتباطی تأثیر بیشتری بر روی رفتار سیاسی دانشجویان داشته است.

پناهی و همکارانش (۱۹۹۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تغییرپذیری مشارکت سیاسی در استان گلستان می پردازند. نتایج پژوهش نشان داد که مشارکت سیاسی انتخاباتی (رأی دادن) قوی ترین جنبه مشارکت سیاسی بوده است. در تبیین مشارکت سیاسی مشخص شد که شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی، اعتماد در سطح اعتماد بین شخصی، تعامل اجتماعی در سطح تعامل گروهی و کنش یاریگرانه (مادی و معنوی) در سطح اجتماعی و مذهبی بیشترین تأثیر را بر تغییرات مشارکت سیاسی دارند. امام جمعه زاده و مرندی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دختر در دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته اند. در این تحقیق با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، شبکه های اجتماعی و انجمن های داوطلبانه) - به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی - مشاهده شد که همبستگی های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

تنی و هانکوینت^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا؟" به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می پردازد. آنها جوانان بلژیکی را به شش گروه اصلی طبقه بندی می کنند که میان این شش گروه، دو طبقه از آنها یعنی متعهدان و دینداران فعالیت بیشتری در حوزه های سیاسی داشتند. طبقه متعهدان دارای سرمایه اجتماعی بالا که بیشتر شامل جوانان بومی بلژیکی بودند، دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالایی بودند و در مسائل مختلف سیاسی فعالیت می کردند، اما طبقه دینداران که بیشتر شامل اقلیت های قومی و دینی بودند، نسبت به دیگر طبقات از پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین تری برخوردار بودند و در حوزه های سیاسی محدودتر و خاص تری فعالیت می کردند.

سیلیگسون^۲ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان "انجمن های مدنی و مشارکت سیاسی در آمریکای مرکزی" تلاش می کند تا نظریه پوتناب در مورد تأثیر انجمن های داوطلبانه بر بهتر شدن دموکراسی در کشورهای امریکای لاتین را مورد بررسی قرار دهد. یافته های او نشان می دهد که اگرچه مشارکت در انجمن های داوطلبانه اجتماعی در سطح فردی پیش بینی کننده خوبی برای رفتارهای دموکراتیک می باشد، اما چنین ارتباطی در مورد دیگر انواع انجمن ها و سازمان ها مورد تأیید قرار نگرفته است.

1. Taney and Han quintet
2. Selig son

لیک و هاجفلد (۱۹۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه عضویت و فعالیت در انجمن ها و جنبش های اجتماعی بر علاقه مندی و مشارکت سیاسی پرداخته اند. آنها استدلال می کنند که سرمایه اجتماعی از طریق تعاملات و پیوندهای اجتماعی در میان شهروندان ایجاد می گردد. یافته های آنها نشان می دهد سرمایه اجتماعی که بیشتر محصول شبکه های اجتماعی می باشد، از طریق توسعه بحث و گفتگو باعث تقویت پیوندهای اجتماعی در میان شهروندان می گردد و این امر منجر به افزایش احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت های سیاسی می گردد (لیک و هاجفلد، ۱۹۹۸).

روش شناسی پژوهش

این مطالعه، پژوهشی توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی است که به لحاظ هدف، کاربردی می باشد و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر است که در زمان انجام تحقیق در مراکز شهرستان های استان بوشهر سکونت داشتند. بر اساس گزارش سرشماری ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، تعداد جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در مراکز شهرستان های استان بوشهر بین ۲۱۴۵۷۷ نفر می باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۲ ۳۸۴ نفر تعیین شد، ولی به لحاظ افزایش پایایی تحقیق، تعداد حجم نمونه ۵۰۰ نفر لحاظ شد. شیوه نمونه گیری به صورت تصادفی می باشد. در پایان، پس از توزیع ۵۰۰ پرسشنامه در بین نمونه آماری، تعداد ۴۷۵ پرسشنامه کامل برگردانده شد. ابزار پژوهش: در این پژوهش، ابزار تحقیق پرسشنامه می باشد که در سه بخش تدوین شده است:

بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی های فردی و جمعیت شناختی پاسخگویان

بخش دوم سؤالات مربوط به مشارکت سیاسی (۴۲ سؤال): در این بخش پرسشنامه سؤالات مشارکت سیاسی جوانان بر اساس مدل سنجش مشارکت سیاسی پیترسون (۲۰۰۵) تدوین شده است. همانگونه که گفته شد این مدل، مشارکت سیاسی را در ابعاد نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی - انگیزشی) و مشارکت سیاسی عینی (رسمی - غیر رسمی) بر اساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار می دهد (وٹوقی و هاشمی، ۱۳۸۵).

بخش سوم سؤالات مربوط به سرمایه اجتماعی: در این قسمت پرسشنامه سؤالات سرمایه اجتماعی بر اساس تقسیم بندی مدل سه بعدی سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت گروهی) بر اساس مدل نظری کلمن (۱۹۹۰)، بوردیو (۱۹۸۳) تدوین شده است.

روایی و اعتبار ابزار پژوهش: برای تعیین روایی صوری ابزار تحقیق، پرسشنامه تدوین شده در اختیار استادان حوزه های علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار داده شد و پس از جمع بندی نظرات و اصلاحات انجام شده پرسشنامه تأیید شد. همچنین، برای تعیین اعتبار سازه ابزار تحقیق از تحلیل عاملی استفاده شد. روایی سازه مقیاس سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نیز از طریق تحلیل عاملی با چرخش واریمکس با در نظر گرفتن بارهای بزرگتر از ۰/۴۵، بارهای تعیین شده در سؤالات مربوط به تمامی ابعاد معنادار بود. بدین ترتیب، با توجه به بارهای تعیین شده مقیاس سرمایه اجتماعی با ابعاد آن و همچنین، ابعاد مشارکت سیاسی، از اعتبار سازه بالایی برخوردار می باشد.

1. Lake and Huck felt

$$2. n = \frac{\frac{x^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{x^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

یافته های پژوهش

توصیف یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه: در بررسی توزیع جوانان مورد مطالعه بر حسب جنسیت، داده ها نشان داد که ۴۳/۷ درصد از کل پاسخگویان دختر و ۵۶/۲ درصد بقیه پسر می باشند. سن ۲۸/۶ درصد از پاسخگویان بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۳۷/۴ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۳۳/۹ درصد بقیه بین ۲۶ تا ۳۰ سال قرار داشت. در بررسی وضعیت تحصیلی جامعه مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر، داده های به دست آمده نشان داد که ۴۱/۴ درصد از افراد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر بودند. این افراد کسانی بودند که بیشتر یا دانشجوی بودند و یا محصل دوره متوسطه. ۲۶/۸ درصد فوق دیپلم و ۳۱/۷ درصد لیسانس و بالاتر می باشند. ۲۴ درصد از افراد شاغل، ۲۹/۲ درصد فارغ التحصیل جویای کار و ۴۶/۷ درصد دانشجو و یا محصل بودند. در بررسی توزیع جوانان مورد مطالعه به لحاظ محل سکونت خانواده، داده ها نشان داد که ۳۴/۱ درصد از جوانان محل سکونت خانواده شان در روستا و ۶۵/۸ درصد در شهر می باشد. بنابراین، محل سکونت اکثر جوانان مورد مطالعه شهر می باشد.

میزان مشارکت سیاسی جوانان استان بوشهر: جدول ۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن در بین جمعیت مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر می باشد:

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن

شاخص متغیر	کم	متوسط	زیاد	جمع
	درصد	درصد	درصد	درصد
مشارکت سیاسی	۱۳/۲%	۳۹/۱%	۴۷/۶%	۱۰۰%
مشارکت سیاسی رسمی	۹/۶%	۴۴%	۴۶/۳%	۱۰۰%
مشارکت سیاسی غیررسمی	۱۹/۱%	۵۲/۸%	۲۸%	۱۰۰%
نگرش به مشارکت سیاسی	۱۳/۴%	۴۹/۹%	۳۶/۶%	۱۰۰%

در بررسی سطح مشارکت سیاسی جوانان استان بوشهر، همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۱۳/۲ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت سیاسی شان کم، ۳۹/۱ درصد در سطح متوسط و ۴۷/۶ درصد در سطح زیاد می باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از افراد میزان مشارکت سیاسی شان در سطح زیاد است. همچنین، ۹/۶ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت سیاسی رسمی شان کم، ۴۴ درصد در سطح متوسط و ۴۶/۳ درصد در سطح زیاد می باشد. بنابراین، میزان مشارکت سیاسی اکثر جوانان مورد مطالعه به لحاظ رسمی (شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شوراهای شهر و روستا و ...) در سطح متوسط به بالاست.

در بررسی نگرش جوانان مورد مطالعه به مشارکت سیاسی، همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود ۱۳/۴ درصد از افراد مورد بررسی نگرششان به مشارکت سیاسی پایین، ۴۹/۹ درصد در سطح متوسط و ۳۶/۶ درصد در سطح بالا می باشد. سطح مشارکت سیاسی غیر رسمی ۱۹/۱ درصد از افراد مورد بررسی پایین، ۵۲/۸ درصد در سطح متوسط و ۲۸ درصد در سطح بالا می باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه میزان مشارکت سیاسی شان به لحاظ غیر رسمی در سطح متوسط است.

وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان استان بوشهر
جدول ۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر وضعیت میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین جمعیت مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر می‌باشد:

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر وضعیت میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

شاخص متغیر	کم	متوسط	زیاد	جمع
	درصد	درصد	درصد	درصد
سرمایه اجتماعی	۱۷/۴%	۵۷%	۲۵/۵%	۱۰۰%
مشارکت مدنی	۱۲/۴%	۴۹/۶%	۳۷/۹%	۱۰۰%
حمایت مدنی	۱۵/۵%	۴۶/۱%	۳۸/۳%	۱۰۰%
اعتماد اجتماعی	۱۵/۱%	۵۸/۳%	۲۶/۵%	۱۰۰%

در بررسی سطح سرمایه اجتماعی جوانان استان بوشهر، همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۱۷/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح سرمایه اجتماعی شان پایین، ۵۷ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۵ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه میزان سرمایه اجتماعی شان در سطح متوسط است.

۱۲/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت مدنی شان پایین، ۴۹/۶ درصد در سطح متوسط و ۳۷/۹ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از جوانان مورد مطالعه میزان مشارکت مدنی شان در سطح متوسط است. در بررسی سطح اعتماد اجتماعی در بین جوانان، همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۱۵/۱ درصد از افراد مورد بررسی سطح اعتماد اجتماعی شان پایین، ۵۸/۳ درصد در سطح متوسط و ۲۶/۵ درصد در سطح بالا می‌باشد. سطح حمایت مدنی ۱۵/۵ درصد از افراد مورد بررسی پایین، ۴۶/۱ درصد در سطح متوسط و ۳۸/۳ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از جوانان مورد مطالعه میزان حمایت مدنی شان در سطح متوسط است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر مشارکت سیاسی جوانان: سنجش و آزمون تأثیر متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی و ابعاد آن) بر میزان مشارکت سیاسی جوانان در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول بر اساس آزمون همبستگی و رگرسیون دو متغیره، تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت مدنی) بر میزان مشارکت سیاسی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت (جدول ۳):

جدول ۳: عناصر رگرسیون دو متغیره بین متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی و ابعاد آن) با میزان مشارکت سیاسی

متغیر	R	R ^۲	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۴۹۱	۵/۱۰	۰/۴۷	۱۰/۲۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۲۹۴	۲/۵۲	۰/۴۱	۸/۷۳	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۱۳/۸۸	۰/۵۶	۳/۶۷	۲/۵۴	۰/۳۴	۰/۵۶	مشارکت مدنی
۰/۰۰۰	۶/۶۱	۰/۳۴	۱/۶۲	۰/۲۴۷	۰/۱۰	۰/۳۴	حمایت مدنی

فرضیه ۱- میزان سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

نتایج به دست آمده بر اساس همبستگی بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۴۷$ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۴۷$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۲۲$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بنابراین، سرمایه اجتماعی متغیر پیش بینی برای میزان سرمایه اجتماعی می باشد و به هر میزان که وضعیت سرمایه اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت سیاسی افراد نیز بیشتر می شود و بالعکس. نتایج رگرسیون دو متغیره همبستگی بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در جدول ۳ مشخص شده است.

فرضیه ۲- میزان مشارکت مدنی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۵۶$ می باشد که حاکی از همبستگی به نسبت خوب بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۵۶$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۳۴$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بر اساس داده های به دست آمده از مدل رگرسیون دو متغیره ارتباط بین مشارکت مدنی و میزان مشارکت سیاسی اینگونه نتیجه گیری می شود که میزان مشارکت مدنی فرد به هر میزان بیشتر باشد، در میزان مشارکت سیاسی اش تأثیر معنادار دارد.

فرضیه ۳- میزان حمایت مدنی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معنادار دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان حمایت مدنی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۳۴$ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۳۷$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۱۰$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بر اساس داده های جدول رگرسیون دو متغیره همبستگی بین حمایت مدنی و مشارکت سیاسی اینگونه نتیجه گیری می شود که میزان حمایت مدنی فرد بر میزان مشارکت سیاسی اش تأثیر معنادار دارد.

فرضیه ۴- میزان اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معنادار دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان اعتماد

اجتماعی و مشارکت سیاسی برابر با ۰/۴۱ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با ۰/۴۱ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها ۰/۱۷ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر همزمان متغیرهای ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی

در مرحله دوم برای تبیین متغیر تابع (مشارکت سیاسی) از طریق متغیرهای مستقل (ابعاد سرمایه اجتماعی) از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی در جدول ۴ مشخص شده است:

جدول ۴: تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تابع (مشارکت سیاسی)

متغیر وارد شده	R	R ^۲	مقدار افزوده شده به R ^۲	خطای استاندارد
مشارکت مدنی	۰/۵۶۷	۰/۳۴۸	۰/۳۴۸	۲۴/۵۶
اعتماد اجتماعی	۰/۴۱	۰/۴۸۹	۰/۱۴۱	۲۱/۲۰
حمایت مدنی	۰/۳۴	۰/۵۸۲	۰/۰۹۳	۲۰/۱۹

داده های جدول ۴ نشان می دهد که سه متغیر مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی و حمایت مدنی از ابعاد سرمایه اجتماعی وارد معادله رگرسیون شدند. مشارکت مدنی با ضریب تعیین ۰/۳۴۸ اولین متغیری بود که وارد معادله شد. همانطور که مشخص شد این سه متغیر ۰/۵۸۲ تغییرات در میزان مشارکت سیاسی را تبیین می کنند. بر اساس نتایج به دست آمده، بین ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، حمایت مدنی و اعتماد اجتماعی) با مشارکت سیاسی همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین اینگونه نتیجه گرفته می شود که با افزایش میزان مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی، حمایت مدنی و به طور کلی سرمایه اجتماعی در فرد، میزان مشارکت سیاسی وی افزایش می یابد و برعکس، به هر میزان افراد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت و حمایت مدنی کمتری داشته باشند، از میزان مشارکت سیاسی شان کاسته می شود.

بحث و نتیجه گیری

در کنار تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، وضعیت و جایگاه فرد در جامعه به لحاظ سرمایه اجتماعی می تواند در ارتباط با مشارکت سیاسی قرار بگیرد. پژوهش حاضر بر آن بود که تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی) را بر میزان مشارکت سیاسی جوانان در استان بوشهر مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. همانطور که مشخص شد، مشارکت سیاسی افراد در جامعه می تواند در قالب مشارکت های عینی (رسمی و غیر رسمی) همچون: شرکت در انتخابات سیاسی، شرکت در راهپیمایی های رسمی و به صورت غیر مستقیم شرکت در گردهمایی ها و نشست های سیاسی احزاب، پیگیری اخبار و رویداد های سیاسی و همچنین گرایش ذهنی فرد به مشارکت سیاسی تحقق یابد. آنچه در این میان مطرح است، آن که در کنار تمامی مؤلفه های فردی، روانی و اجتماعی که می تواند تحت تأثیر و تأثر نوع و میزان مشارکت سیاسی فرد در جامعه باشد، یکی از مؤلفه های اساسی مرتبط با سطح مشارکت سیاسی فرد،

میزان سرمایه اجتماعی است که فرد بر اساس شبکه روابط و جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کسب می کند. بر همین اساس، یافته های این تحقیق مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. نتایج این تحقیق مؤید وجود تأثیر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر میزان مشارکت سیاسی می باشد. این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیقات لایگلی (۲۰۰۸)، مک کلارک و دیگران (۲۰۰۸)، موسوی و همکاران (۱۳۸۸) و سید امامی (۱۳۸۷) هم پوشانی دارد. همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های پژوهش با نتایج تحقیقات لین (۲۰۰۸)، مک کلارگ (۲۰۰۹) کوینتر و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. تعاملات اجتماعی، فرصت هایی برای افراد جهت جمع آوری اطلاعات در مورد سیاست ایجاد می کند و به آنها اجازه می دهد فراتر از محدودیت منابع شخصی زندگی کنند. در نتیجه، این امر حمایت بسیاری از مردم از فعالیت های سیاسی را به دنبال دارد. با استفاده از داده های جمع شده از انتخابات، شواهد نشان می دهد تأثیر تعامل اجتماعی بر مشارکت تا حد زیادی به بحث های سیاسی که در شبکه های اجتماعی رخ می دهد، وابسته است (مک کلارگ، ۲۰۰۹). بر اساس نتایج تحقیقات کوینتر و همکارانش (۲۰۱۱) در اختیار داشتن شبکه های گوناگون اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی (حمایت، اعتماد و مشارکت) مدنی، مشارکت سیاسی را افزایش می دهد و این امر به نوبه خود باعث تماس های سیاسی گوناگون با دیگران می شود. بر اساس نتایج به دست آمده در جامعه مورد مطالعه، مشارکت سیاسی جوانان بیشتر در قالب مشارکت های رسمی همچون شرکت در انتخابات و راهپیمایی های سیاسی رسمی نمود پیدا می کند و در زمینه بعد غیر رسمی مشارکت سیاسی، تمایل و گرایش کمتری دیده می شود. بنابراین، برای اینکه بتوان زمینه های مشارکت سیاسی جوانان را به خصوص در بعد غیر رسمی افزایش داد، باید بسترهای توسعه سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی، حمایت و اعتماد مدنی آنان در جامعه تسهیل شود. به طور کلی، نقش عامل سرمایه اجتماعی در زمینه مشارکت سیاسی انکارناپذیر است.

- باستانی، سوسن؛ آزاده، اعظم و سلطانی، فاطمه (۱۳۸۸) "شبکه های اجتماعی و رفتار رأی دهی جوانان در مشهد". مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۳، دوره ۱۰.
- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲) "مشارکت سیاسی جوانان ابعاد و پویایی ها". فصلنامه مطالعات جوانان. سال اول، شماره ۵.
- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲) "جامعه پذیری سیاسی جوانان". مطالعات جوانان. سال اول، شماره ۳ و ۴.
- داوسون، ریچارد و دیگران (۱۳۸۴) "جامعه پذیری سیاسی". مهدی جواهری فر. تهران: نشر لاجورد
- راش، مایکل (۱۳۷۷) "جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی". منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت
- فیرحی، داود (۱۳۷۷) "مفهوم مشارکت سیاسی". فصلنامه علوم سیاسی. سال اول. شماره ۱.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۵) مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- Dag, Welbeck. , Per, Sell (2003) "Participation and Social Capital Formation: Norway in a Comparative Perspective". Scandinavian Political Studies. Vol. 26 – No. 1.
- Lightly, Jan E., (1996), "Group Membership and the Mobilization of Political Participation." Journal of Politics. 58(2)
- Lake, R. and R. Hock field. (1998), "Social Networks, Social Capital and Political Participation", Political Psychology.
- Lin, N. (2008) "A Network Theory of Social Capital". in D. Castiglione, J. W. Van Depth & G. Walled (Eds.), The Handbook of Social Capital. London: Oxford University Press.
- Mc Colure. Scott, D. (2003) "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation". Political Research Quarterly, Vol. 56, No. 4
- Lip set. S .M. (1963) Political man: The Social Bases of Politics. New York: University Press
- Newton, K. & Whitley, P. F., ads (1999) Social Capital and European Democracy. London and New York: Routledge.
- Putnam, R. D. (1993) Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press
- Quinter, Ellen, Detain Stole and Allison Harrell (2011) "Political in Peer Groups: Exploring the Causal Relationship between Networks Diversity and Political Participation". Political Research Quarterly.
- Turner, J. H. (2001) The Structure of Sociological Theory. New York: wads worth Publishing Company. (6th Ed.).

- Verba, Sidney, Kay, Lehman. Schoolman and Henry E. Brady (1995) **Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics**. Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts
- Wollebaek, Dag & Per Selle (2003) **“The Importance of Passive Membership for Social Capital Formation”**. In Stolle & Hooghe.

